

## زنده باد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

در گرامیداشت پنجمین سالگرد تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی

از حقیقت دوره دوم، شماره ۱۷، بهمن ۱۳۶۸

امسال پنجمین سالگرد تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است. بدین مناسبت جنبش ما و احزاب و سازمانهای شرکت کننده در آن، پرولتراهای آگاه و انقلابیون سراسر جهان را به گرامیداشت این سالگرد فرا خوانده اند. در کشورهای گوناگون که احزاب و سازمانهای عضو و طرفدار جنبش انقلابی انترناسیونالیستی موجودند، کارزارهایی حول ترویج و تبلیغ این جنبش و بیانیه آن انجام گرفته است. برگزاری جلسات مخفی و علنی - در هر آنجایی که امکانش موجودست - سخنرانی و بحث، برگزاری کنسرتهای موسیقی انقلابی، برگزاری نمایشگاه عکس، نمایش فیلمهای انقلابی و بحث حول آن، فروش بیانیه و پخش اعلامیه کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی بمناسبت پنجمین سالگرد در ابعاد وسیع، پخش و تبلیغ پوستر جنبش بدین مناسبت، شعارنویسی در محل زندگی توده های پایه اجتماعی و بمیان آنان رفتن و توضیح مواضع جنبش، و ابتکارات گوناگون برای تبلیغ این جنبش و جمع آوری کمک مالی و .... از آن جمله اند. این کارزارها همچنان ادامه دارند و ما تمام توده های انقلابی را به شرکت در آن و مهمتر از همه دست زدن به ابتکار عمل در پیشبرد این کارزار تحت شرایط مخفی، فرا می خوانیم.

\*\*\*

تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، تحول پراهمیتی را در تاریخ جنبش بین المللی کمونیستی نمایندگی میکند و گام تاریخی تعیین کننده ای در جهت سد نمودن بحران جنبش بین المللی کمونیستی می باشد - بحرانی که در مقیاس جهانی و خصوصاً متعاقب مرگ مائوتسه دون و کسب قدرت سیاسی توسط بورژوازی نوین در چین، پیکر جنبش بین المللی کمونیستی را در هم پیچاند. ضربه ناشی از کودتای بورژوازی در چین، باعث بحران و آشفتگی در صفوف کمونیستهای همه کشورها گشت. برخی جریانات در مواجهه با اوضاع نوین به اپورتونیزم و ارتداد در غلتیدند و مداح کودتاگران شدند؛ گروهی صحت علم رهایی پرولتاریا و امکان سوسیالیسم را زیر سؤال بردند و انحلال طلب گشتند؛ بسیاری نیز تحت فشار شرایط دچار تزلزل شده و سانتریسم برسر اندیشه مائو را پیشه نمودند. رویزیونیستها، "مرگ" کمونیسم و مائوتیسم را اعلام داشتند و کوشیدند با استفاده از این فرصت، روحیه پرولتراهای انقلابی و رهروان مائوتسه دون را بشکنند و به چشم نسل نوینی از انقلابیون که تازه به میدان نبرد طبقاتی وارد میشدند، خاک بپاشند. بورژوازی - از هر شکلش - میخواست پرولتاریا را از میراث انقلابی محروم سازد، اما چنین نشد. بذر افشاندن شده توسط رفیق مائوتسه دون بارورتر، و آموزه های مارکسیستی - لنینیستی، عمیقتر و قوام یافته تر از آن بود که با يك شکست از صحنه حذف شود. جریان مائوتیستی نه تنها در مقابل تندباد بحران ایستادگی نمود، بلکه با چشمان باز کوشید خلاف جریان عمومی به پیش رود. دهه ۱۹۸۰، با سر بلند کردن دوباره کمونیستهای اصیل و انقلابی در عرصه تئوری و پراتیک آغاز گشت. تلاش برای ارائه جمع بندی علمی و انقلابی از دلایل شکست پرولتاریا در چین، و اعلام رسای حیات مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون، سرفصل این دهه بود. مائوتیسم قد برافراشت تا بار دیگر امید و شور و اعتماد به انقلاب و پیروزی را در دل ستمدیدگان برانگیزد.

با تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و انتشار بیانیه به جریان بحران ضربه ای جدی وارد آمد و حتی مهمتر از آن، تکاملی تعیین کننده هم در بعد ایدئولوژیک - سیاسی و هم تشکیلاتی تحقق یافت. این، فی الواقع تجلی پیروزی مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون در نبردی تعیین کننده علیه رویزیونیسم بود. در غیر اینصورت، متحقق گشتن چنین جهشی اساساً غیر ممکن بود.

این دستاورد عظیم، تنها می تواند و باید بعنوان محصول مبارزه تئوریک و پراتیکی که توسط کمونیستهای انقلابی مسلح به علم م  
ل - اندیشه مائوتسه دون صورت گرفته توضیح داده شود و باید اینگونه نیز درک شود. در غیر اینصورت ماهیت و حقیقت  
نهفته در چنین کار و دستاورد سترگی، بدرستی درک نخواهد گشت. بیانیه، پلاتفرمی بسیار پیشرفته می باشد و دربرگیرنده  
جوانب مهمی از خط ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی پرولتاریای انقلابی. امروزه در شرایطی کمونیستهای انقلابی اتحاد خود  
را برپایه بیانیه بنمایش می گذارند که طبقه ما در هیچ کشوری قدرت سیاسی ندارد، یک رهبری با آتوریته بحق و تثبیت شده  
مانند مائوتسه دون موجود نیست و ما صاحب آنچنان پیروزی مشترکی که بتوان گفت اغتشاش و جهت گم کردگی درون  
انقلابیون را بطور کامل در هم شکسته باشد، نیستیم. بیانیه، قادر گشت تا جهت گیریها و سنتزهای مهم و صحیحی را به پیش  
گذارد و خط فاصل دقیق و روشن با اپورتونیسیم و رویزونیسم را ترسیم نماید. بیانیه توانست نگرش پایه ای و جهت گیریهای  
برنامه ای بمنظور تکامل سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی جنبش بین المللی کمونیستی را بسوی یک انترناسیونال نوین به پیش  
بگذارد و جمعبندی صحیحی از تجارب مثبت و منفی جنبش بین المللی کمونیستی ارائه دهد.

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و بیانیه آن، آغاز یک مرحله برجسته است در مارش طولانی ای که توسط مائوتسه دون و علم م  
ل - اندیشه مائو علیه رویزونیسم، براه افتاد. پیشرفتهای بکف آمده در دوره پلمیکهای سالهای ۶۳ - ۱۹۶۲ و انقلاب کبیر  
فرهنگی پرولتاریایی، تعلیم و پرورش نسل نوینی از انقلابیون کمونیست بمنابه میراث داران آن جنبشهای فکری و عملی عظیم،  
عقبگرد جدی سال ۱۹۷۶ و سپس پیروزیهای سیاسی، ایدئولوژیک و تشکیلاتی دوباره بکف آمده از طریق برگزاری اولین  
کنفرانس بین المللی احزاب و سازمانها در سال ۱۹۸۰ و سپس برگزاری دومین کنفرانس در سال ۱۹۸۴ و تشکیل جنبش انقلابی  
انترناسیونالیستی و انتشار بیانیه و... تمامی اینها، مراحل گوناگون را در مارش طولانی کمونیسم انقلابی علیه رویزونیسم  
نمایندگی می کنند. پس، مواضع بازیافته و سنتز شده توسط ریم و بیانیه می بایست تحکیم و گسترش یابند.

وظیفه ای جدی که امروز مقابل پای پرولتاریای انترناسیونالیست می باشد، دستیابی به خط مشی عمومی جنبش بین المللی  
کمونیستی و ساختن انترناسیونال نوین کمونیستی - در کوتاهترین زمان ممکن - است. این پروسه مسلما با گذر کردن از مراحل  
و برداشتن گامهای ضروری و برپایه نگرش و سنتزهای منعکس گشته در بیانیه و با دستیابی به شناخت عالیترا از طریق  
مجادلات و مبارزه اصولی تحت هدایت علم مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون، متحقق خواهد گشت. آخرین بخش بیانیه  
به این مسئله پرداخته و می گوید: "در گر هگاه کنونی تاریخ جهان، پرولتاریای بین المللی باید وظیفه ایجاد تشکیلات خویش،  
یعنی یک انترناسیونال نوع جدید متکی بر مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون، و گسترش تجارب ارزشمند گذشته را  
بدوش گیرد. این هدف باید جسورانه به پرولتاریای بین المللی و داغ لعنت خوردگان جهان اعلام گردد - با همان جسارت انقلابی  
پیشینیانمان، از کموناردهای پاریس تا شورشگران پرولتاری شانهگهای که جرات کردند زمین را بلرزه در آورند و مصمم بر  
انجام "غیرممکن" (ساختن جامعه کمونیستی) شدند. پروسه ایجاد چنین تشکیلاتی احتمالا درازمدت خواهد بود. مهمترین  
وظیفه ای که در این رابطه در برابر مارکسیست - لنینیست ها قرار می گیرد، دست یافتن به خط مشی عمومی و یک شکل  
صحیح و زنده تشکیلاتی منطبق بر واقعیات پیچیده جهان کنونی و مصاف طلبیهای آن است."

امسال در شرایطی پنجمین سالگرد تشکیل جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را برگزار میکنیم که جنبش مان طی این سالها  
روزبروز قویتر گشته و پیشروی و گسترشی مداوم داشته است. جنگ خلق در پرو، تحت رهبری حزب کمونیست پرو، که یکی  
از احزاب عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است، بر غم تشدید جنایات عظیم نیروهای مسلح ارتجاعی و توطئه های  
گوناگون امپریالیستها، جسورانه گسترش یافته و در میان ستمدیدگان جامعه بیش از پیش ریشه می دواند. طی پنج سال گذشته،  
موجودیت جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و بیانیه در مقیاس بین المللی کمک بزرگی بود به انقلابیون کمونیست کشورهای

مختلف جهان که با وظیفه عاجل تشکیل يك حزب پیشاهنگ پرولتری مواجهند. آنان در راه تحقق این وظیفه دشوار و عالی از جنبش انقلابی انترناسیونالیستی کمک و الهام می گیرند.

در دوران پیشاروی، اوضاع عینی به نفع تحکیم و گسترش خط بیانیه و احزاب و تشکلات عضو جنبش انقلابی انترناسیونالیستی است. امروزه ما در جهانی بسر میبریم که بحران عمیق و دامنه دار نظام بین المللی امپریالیستی، توده های مردم را بیش از گذشته به ورطه گرسنگی و فقر و بندگی و کشتار می کشاند و نتیجتاً فعالیت توده ها در مواجهه با این وضعیت در ابعاد گسترده ای افزایش می یابد. بسیاری از توده هائی که در دوره های "صلح" و "آرامش" اجازه می دادند که هست و نیستشان بدست یغماگران امپریالیست ر بوده شود، توسط فشارهای مرگبار زندگی، به میدان فعالیت و مبارزه و اعتراض علیه امپریالیسم و در اشکال گوناگون، کشانده میشوند و تحولی واقعی و ریشه ای را طلب میکنند. این امری مختص به قلمروی امپریالیسم غرب نمی باشد. بحرانی که دامنگیر رویزیونیسم بین المللی گشته و خیزشها و اعتراضات توده ای در سرتاسر "اردوگاه" شوروی، اوضاع را هرچه بیشتر برای کار و فعالیت کمونیستی انقلابی مهیا میسازد.

مجموعه نظام حاکم بر جهان تضعیف گشته و شکافهای عظیمی بر ارکانش نمودار شده اند. فاکتورهای انقلاب در سراسر جهان، اعم از کشورهای امپریالیستی و ملل تحت ستم، رشد کرده و در افق تحولات، چشم اندازهای روشنی بسود انقلاب پرولتاریا و متحدان ستمدیده اش بچشم می خورد. در چنین شرایطی که رویزیونیستها و اپورتونیستهای رنگارنگ به مبارزه انقلابی توده ها خیانت ورزیده و به اشکال گوناگون میکوشند تا توده های بپاخاسته را به سازش با دشمنانشان و آرامش فرا خوانند، این تنها انقلابیون راستین و بیش از همه نیروهای متشکل در جنبش انقلابی انترناسیونالیستی هستند که مبارزه قهرآمیز توده ای را برپا داشته و یا به تدارک آن مشغول میباشند. اما، مسئله اینست که در صورت فقدان قوای متشکل طبقه انقلابی - یعنی حزب کمونیست انقلابی - و نیز علیرغم تمام فداکاری و از جان گذشتگی توده ها، امکان انجام انقلابی واقعی نخواهد بود. بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در اینمورد میگوید: "تجربه نشان میدهد که انقلاب پرولتری فقط از طریق يك حزب پرولتاریائی اصیل مبتنی بر علم مارکسیسم - لنینیسم - اندیشه مائوتسه دون، و برپایه خط لنینی که قادر به جذب و تربیت بهترین عناصر انقلابی پرولتاریا و دیگر بخشهای توده است، میتواند به انجام رسد و به پیش برده شود. امروز در اکثر کشورهای جهان چنین حزبی موجود نیست..... تاسیس و تحکیم احزاب اصیل مارکسیستی - لنینیستی، وظیفه حیاتی برای کل جنبش بین المللی کمونیستی است." و ادامه داده "در کشورهایی که هیچ حزب مارکسیست - لنینیستی وجود ندارد، وظیفه فوری انقلابیون کمونیست تشکیل چنین حزبی به یاری جنبش بین المللی کمونیستی است."

برای ما کمونیستهای انقلابی، مسلح بودن به بینش انترناسیونالیستی و حرکت برپایه منافع همه جانبه پرولتاریای بین المللی و ارجح دانستن آن، جزء مهم و تعیین کننده ای در تشکیل حزب و پیشبرد پیروزمند جنگ برای کسب انقلابی قدرت سیاسی می باشد. انترناسیونالیسم، حلقه ای تعیین کننده در زنجیره اصول کمونیسم است. مارکس، در همان اوان تشکیل انترناسیونال اول کمونیستی، شعار اتوپیستی "مردم سراسر جهان برادرند" را به نقد کشیده و بکناری نهاد و شعار "کارگران سراسر جهان متحد شوید" را جایگزین آن نمود. بعدها با تکامل سرمایه داری به امپریالیسم و تقسیم پایه ای جهان به ملل ستمگر و ملل ستمدیده، لنین این شعار را بدینگونه ارتقا داد: "کارگران و خلقهای ستمدیده سراسر جهان متحد شوید." این شعاری بغایت پیشرفته و انقلابیست که ریشه در مناسبات جهانی امپریالیستی دارد و از آن نشئت گرفته و منافع انقلابی مشترك و بهم پیوسته کارگران و خلقهای ستمدیده سراسر جهان را بطور فشرده بیان میکند. این صرفاً يك شعار انقلابی با اهمیت اندک عملی برای تکامل انقلاب در يك کشور خاص نیست، بلکه با امکان و درجه پیشروی در يك کشور مشخص و سیر انقلاب پرولتری در مقیاس جهانی، ارتباطی دیالکتیکی دارد. این شعار مهر تائید تاریخ را بر خود دارد و بدین معناست که انقلاب جهانی پرولتاریائی اساساً از دو مولفه (انقلاب پرولتاریائی - سوسیالیستی پرولتاریا و متحدینش در دژهای امپریالیستی و جنبش رهائیبخش یا انقلاب دمکراتیک

نوین ملل و خلقهای تحت انقیاد امپریالیسم) تشکیل شده است و بهمانگونه که بیانیه جنبش انقلابی انترناسیونالیستی می گوید:

"اتحاد میان این دو جریان انقلابی کماکان سنگ بنای استراتژی انقلابی در عصر امپریالیسم می باشد" بنابراین،

انترناسیونالیسم، يك اصل اخلاقی و یا صرفا ایده ای خوب برای کمک رسانی به انقلاب در دیگر نقاط جهان و یا فقط توضیح

همسرنوشتی کارگران يك کشور با کارگران کشور دیگر و یا تنها به انجام رساندن يك وظیفه محوله از جانب جنبش انقلابی

انترناسیونالیستی و در دوره هایی معین، نمی باشد؛ انترناسیونالیسم حقیقی است استوار بر این واقعیت که طبقه کارگر يك طبقه

واحد جهانیست و موقعیت و مبارزه اش توسط قوانین حرکت کل نظام جهانی امپریالیستی مشروط می گردد، طبقه ای که رهائی

اش مشروط به الغای طبقات در سراسر جهان و رهایی کل بشریت می باشد. به همین دلیل است که انترناسیونالیسم، دیدگاه

ایدئولوژیکی پرولتاریاست و بدون مسلح بودن به چنین بینشی، سخنی از تاسیس يك حزب کمونیست انقلابی و يك انقلاب واقعی

و تابه آخر نمی توان بر زبان آورد. بيك کلام، اگر کسی در انقلاب کردن جدی است و میخواهد حزبی انقلابی بنا نهد و انقلاب

را در کشور "خودش" بطور پیروزمند تا به آخر برساند، در چنین صورتی ناگزیر می باید انترناسیونالیست باشد و درك

صحيح و تعمیق یافته از جایگاه آن داشته باشد.

فهمیدن رابطه دیالکتیکی میان این موضوعات با وظیفه عاجل ایجاد حزب کمونیست انقلابی در ایران، امری تعیین کننده برای

ما و پیروزی ما می باشد. هدف استراتژیک حزب کمونیست، متحقق ساختن کمونیسم جهانی است. این استراتژی پرولتاریا در

سرتاسر جهان است. افق دید پرولتاریای آگاه نه محدود و در چارچوبه مرزهای "ملی"، که به دور دستها یعنی به جامعه ای

عاری از طبقات، جامعه کمونیستی، کشیده میشود و رسالت بنا نهادن چنین جامعه ای را تاریخ بدوش پرولتاریا - بمثابة يك طبقه

واحد جهانی - قرار داده است. پیشروی در جاده کمونیسم در کشورهای امپریالیستی و کشورهای تحت سلطه امپریالیسم بنا به

ساخت اقتصادی و اجتماعی متفاوت ایندو، از مراحل و پروسه های متفاوت گذر میکند؛ اما کلیه این مراحل، يك پروسه واحد

یعنی پروسه انقلاب جهانی پرولتری با يك هدف استراتژیک واحد را نمایندگی میکنند. حزب انقلابی طبقه کارگر، باید از همان

بدو تاسیس بر چنین درکی استوار گردد و توده های کارگر و سایر توده های انقلابی را بروی این درك و برای حرکت بسوی

حداکثر خواست، بسیج و تربیت نماید؛ در غیر اینصورت طبقه کارگر، بویژه در دوران پس از کسب قدرت، در برابر نیروهای

حافظ نظم کهن - چه از درون کشور و چه از بیرون - که بقصد نابود سازی و یا به تسلیم واداشتن انقلاب و محدود ساختن دامنه

آن تعرض و تهاجمی وحشیانه را - در تمامی عرصه ها - سازمان میدهند، خلع سلاح گشته و قادر نخواهد بود تعرض متقابل

خود را در مسیر پرپیچ و خم انقلاب جهانی و دستیابی به جامعه نوین کمونیستی، براه اندازد و به پیش برد.

پیشبرد امر انترناسیونالیستی، چه در عالیترین سطوح آن یعنی برپائی جنگ خلق در ایران تحت رهبری حزب کمونیست

انقلابی و به ثمر رساندن انقلاب در ایران، چه بصورت تلاش و کمک در ایجاد و ساختن حزب کمونیست انقلابی در هر آنجایی

که رفقای ما موجودند و حزبی انقلابی موجود نیست و تقویت احزاب مائوئیستی موجود، و چه بصورت پیشبرد کارزارهای

جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، خود جزئی مهم از کار پایه ای یعنی کار حزبی ماست. تعلیم و پرورش توده های انقلابی برپایه

بینش انترناسیونالیسم پرولتری و بحول خط جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، از طریق تبلیغ و ترویج خط آن و بردن بیانیه به

میان توده ها، و همچنین جمع آوری کمک مالی برای این جنبش و بخرج دادن ابتکارات گوناگون در بسیج و متشکل کردن هرچه

بیشتر و وسیعتر توده ها بحول کارزارهای عملی و غیره، تماما عنصری تعیین کننده در پروسه آگاهی کمونیستی دادن به توده

های انقلابیست.

نگرش انترناسیونالیستی جزئی مهم از تدارك ما برای کسب انقلابی قدرت سیاسی است و این دیدگاه می باید در نحوه تدارك ما

منعکس شود. شیوه تدارك پرولتاریا برای کسب قدرت سیاسی با شیوه طبقات دیگر متفاوت است، ما به شیوه خود تدارك می

بینیم و دیگران با شیوه خود. انعکاس چنین دیدگاهی در کار تدارك ما برای برپائی جنگ، ابعاد گوناگون دارد.

توده انقلابی باید با این درک و این نقطه عزیمت پرورش یابد که موضع استراتژیک و تعیین کننده برای ما بنا نهادن پایگاه سرخی برای انقلاب جهانی است. ما - پرولتاریای انقلابی - در پی گرفتن "سهم" خود و یا "جائی در زیر آفتاب" برای خود، نمی باشیم. ما از آن دسته طبقات و گروههای اجتماعی نیستیم که پس از کسب قدرت اینطور تصور کنیم که "ما کار خود را کرده ایم و بار خود را برده ایم"، چرا که حتی اگر موفق به کسب قدرت بشویم، در صورتیکه از منافع کل طبقه مان در سراسر جهان حرکت نکنیم و در صورتیکه اوضاع جهانی را در کلیت خودش مورد نظر قرار ندهیم و در پی گسترش انقلاب جهانی نباشیم، آنگاه در محاصره ایدئولوژیک - سیاسی) مشکلات اقتصادی بکنار (دنیای کهن دیر یا زود خرد و خفه خواهیم شد. بنابراین اگر حقیقتاً دل در گروی رهایی همه زحمتکشان و ساختمان سوسیالیسم داریم، بطور اجتناب ناپذیر باید نقطه عزیمت خود را انترناسیونالیسم پرولتری قرار دهیم و توده های پایه اجتماعی را بروی این بینش تربیت کنیم. چنین تربیتی، جزیی تعیین کننده از تدارک جنگ ما و پیشبرد پیروزمند آن می باشد.

سرمایه داری از همان آغاز پیدایش، در سطحی بین المللی عمل میکرده است، اما این عملکرد با گذر به عصر امپریالیسم دچار تحولی کیفی گشت و اقتصادیات ملل سراسر جهان با عمق و گستردگی کیفیتاً عظیمتری درون دینامیسم انباشت جهانی سرمایه داری، ادغام گشت. این مسئله بطور ناگزیر تحولی نوین را در ارتباط با تاثیرات و تداخلات پروسه های انقلاب بر یکدیگر در کشورهای گوناگون جهان، باعث گشت. هرگونه ترك و شکافی در هر يك از حلقه های زنجیره نظام امپریالیستی - چه بصورت بروز بحرانهای امپریالیستی و چه بشکل تلاش پرولتاریا و خلقهای ستمدیده برای انقلاب - کل زنجیره نظام بردگی را به تکانهای شدید وامیدارد. این يك قانون عمومی در عصر امپریالیسم است. بطور مثال انقلاب کبیر فرهنگی پرولتاریایی در چین سوسیالیستی نه تنها موجب شکل گیری احزاب مارکسیستی - لنینیستی نوین در سراسر جهان گشت بلکه به مبارزات رهائیبخش خلقهای تحت سلطه امپریالیسم تحرك بخشید و تاثیرات مهمی بر پرولتاریا و توده های انقلابی درون کشورهای امپریالیستی گذارد. تاثیرات انقلاب و متقابلاً شکست انقلاب ایران بر سیر تکوین روند انقلاب در جهان را نمی توان نادیده گرفت. این صحیح است که نوع و شیوه تدارک پرولتاریا برای کسب قدرت سیاسی در دو دسته کشورها - امپریالیستی و تحت سلطه - متفاوت است، اما تدارک انقلاب در يك کشور می تواند تسریع عمل انقلابی و بطور مشخص جنگ انقلابی در کشور دیگر باشد و در صورتی که در راس این تدارک - در هر دو نوع کشور - پرولتاریای انترناسیونالیست قرار گرفته باشد، قادر خواهد بود تا از فرصتهای انقلابی بحداکثر سود جوید و پیشرویهای عظیم را سازمان دهد.

در مورد ایران، بنا به جایگاه پراهمیت و استراتژیکش در این نقطه توفانی از جهان، ادغام و تداخل چندین پروسه انقلابی دور از انتظار نیست. آنگاه که جنگ خلق در این خطه از جهان برپا گردد، آتش آن بهر سوی جهش خواهد کرد و خرمنهای خشک و مستعد را نه فقط در چهارگوشه ایران، که در سراسر منطقه نشانه خواهد گرفت. صلاهی جنگ خلق به زبانهای گوناگون در دشتها و کوهستانهای مجاور يك ابرقدرت امپریالیستی، در مرزهای پرآشوب چهار کشور، در میان ستمدیدگان کرد و عرب، ترك و ترکمن، افغان و بلوچ طنین افکن میشود. آنگاه پرولتاریا پایگاه سرخی خواهد داشت که قفل انقلاب خاورمیانه را همدوش سایر گردانهای پرولتاریای جهانی در منطقه می گشاید و انقلاب جهانی را جهش وار به پیش میراند. بطور عینی و بدون شك زمانیکه پرولتاریا در ایران جنگ خلق را برپا دارد، اگر در کشورهای همسایه جنگ خلق تحت رهبری مانوئیستها آغاز نشده باشد، بروی پیشبرد و تسریع این پروسه در آن نقاط تاثیرات شگرفی خواهد گذاشت. روحیه عمومی توده تحت ستم در این کشورها به جایگاه عالیتتری صعود خواهد کرد، پیشاهنگ پرولتری در این کشورها با فرصتهای عظیم برای تسریع امر تدارک انقلاب و آغاز بورش خود روبرو خواهد گشت و دشمنان طبقاتی - دشمنانی مشترک - از چهار گوشه در محاصره انقلاب قرار خواهند گرفت.

برای دوری جستن از شوونیسم و ناسیونالیسم - در چارچوبه انقلاب در ایران - نیز باید بینش انترناسیونالیستی داشت. ایران کشوری چند ملیتی است. شعار پرولتاریا در اینمورد "حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدایی" است. ما بهمانگونه که لنین بارها تصریح کرد، خواهان تامین وحدت و اتحاد آزادانه ملت‌های گوناگون هستیم. ما خواهان این هستیم که پرولتاریای درون ملت‌های گوناگون اعم از کرد، ترک، بلوچ، ترکمن، فارس و ..... درون يك حزب کمونیست واحد بمثابه پیشاهنگ پرولتری متشکل گشته و امر رهبری انقلاب در این خطه را بعهده گیرند. آنچه بطور خودبخودی در وضعیتی با ویژگی چند ملیتی این جامعه عرض اندام میکند، شوونیسم زشت و ارتجاعی فارس و محدودیت ناسیونالیستی است. پرولتاریای انقلابی از هردوی این امراض بری است، اما آنچه او را از این انحرافات مبری میسازد، دیدگاه انترناسیونالیستی و جهان بینی علمی انقلابی است که در هر شرایط و قبل از هر چیز منافع عمومی انقلاب پرولتری جهانی را مد نظر میدارد. برای تربیت توده های انقلابی از هر ملیتی نیز باید پیش از همه این منافع عمومی را ترسیم کرد و از چنین جایگاهی حرکت کرد تا قادر شد خط ایدئولوژیک - سیاسی صحیح و روشن انقلابی را برایشان ترسیم نمود.

نیروهای طبقاتی غیر پرولتری بما "اتهام" می زنند که اینان - یعنی سازمان ما - به ایران راضی نیست و حالا میخواهند انقلاب جهانی کنند و یا در کشورهای دیگر حزب بسازند. اول اینکه، بسیار خوب؛ ما این اتهام را با جان و دل می پذیریم. ما پرولتاریای انترناسیونالیست - و نه بورژوا و خرده بورژواهای ناسیونالیست - هستیم و مطلقاً فقط به انقلاب در کشور "خودمان" راضی و قانع نبوده و خواهان انقلاب در سراسر جهان و داشتن حزبی انقلابی در هر آنجا که موجود نیست می باشیم. دوم اینکه، تمام کسانی که بما این "اتهام" را میزنند خود نیز در سطح بین المللی متحدینشان را دارند و بنا به خاستگاه طبقاتی و خط ایدئولوژیک - سیاسی شان اتحادهای خود را در انترناسیونالیتهای شکل گرفته و یا شکل نگرفته بورژوائی شان در مقیاس جهانی، بسته اند. فهم این مطلب نیز چندان مشکل نیست. چرا که بورژوازی هم يك طبقه واحد جهانیست. نگاهی به نیروهای طبقاتی بورژوائی و خرده بورژوائی درون صحنه سیاسی ایران، متحدینشان و بند اتصالیان، گواه این مدعاست. اگر چنانچه کسی برای انقلاب کردن در ایران جدیست و اگر به این امر بمثابه "پیشبرد سهم من" - یعنی سهمی از انقلاب جهانی پرولتاریائی که در این کشور بعهده من گذارده شده است - می نگرد، در اینصورت بجز يك انترناسیونالیست پرولتر نمی تواند باشد. کنار نهادن چنین بینشی، یکی از دلایل بسیار مهم شکست کمونیستها در ایران بود. عدم جمع بندی صحیح و انقلابی از عقبگردها و انحرافات جنبش بین المللی کمونیستی - انحرافات که ریشه در دوری جستن و یا محکم نگرفتن انترناسیونالیسم پرولتری داشت - همراه با پراگماتیسم و ناسیونالیسم کوتاه نظرانه موجود در صفوف جنبش کمونیستی در ایران، پیکر این جنبش را در دوره هایی که امکان و فرصت عالیترین پیشرفتها و جهشها بود، در هم پیچاند و کمونیستها را از زاویه ایدئولوژیک - سیاسی خلع سلاح کرد. بدون گسست عمیق و همه جانبه از آن، امکان پیروزی بر دشمنان طبقاتی و کسب انقلابی قدرت سیاسی، توهمی بیش نیست.

یکی از شعارهای کارزار پنجمین سالگرد، "ابراز حمایت و جمع آوری کمک مالی برای این جنبش" می باشد. این شعار بدینگونه در اطلاعیه کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، منعکس گشته است: "پنجمین سالگرد جنبش انقلابی انترناسیونالیستی را گرامی دارید! به ابراز حمایت و جمع آوری کمکهای مالی برای این جنبش برخیزید." اینکه يك تشکیلات بلحاظ مالی چگونه تامین میشود، منابع اتکایش کجاست و از چه طرق و به چه شیوه هایی معضلات مالی خود را حل میکند، خود زمینه و عرصه بسیار تعیین کننده ای است برای تشخیص خط ایدئولوژیک - سیاسی آن تشکیلات و جهتگیریهایش. انحطاط ایدئولوژیک - سیاسی و آغاز سرانجام و فساد بسیاری جنبشها بطور مشخص و در بسیاری مواقع پیش از هر چیز در آنجا منعکس گشت که اتکای خود را بر توده ها برای حل معضلات تدارکاتی و مالی برداشته و چشمان خود را به دستان "پربرکت" و "سرشار از امکانات مالی و تسلیحاتی" امپریالیستها و نوکرانشان دوخت و دقیقاً از همان زمان ناقوس مرگ آن جنبش بصدا

درآمد. این تجربه تلخ و گزنده بارها و بارها در تاریخ جنبشها، احزاب و سازمانهای مختلف مشاهده گشته است. این یکی از نقطه ضعفهای بسیاری جنبشها بوده و امپریالیستها و سوسیال امپریالیستها نیز بخوبی به آن واقفند. ضجه های نومیدانه امپریالیستها در باره اینکه "حزب کمونیست پرو" به هیچ صراطی مستقیم نیست و بهیچ طریقی نمیتوان کانالی به آن زد، بخشا ناظر بر این مسئله است که این حزب آگاه و روشن بین با هشیاری تمام، کلیه نیرنگها و ترفندهای ارتجاع را خنثی کرده و با اتکای مطلق بر کارگران و دهقانان فقیر و سایر توده های انقلابی، گام بگام کلیه معضلات مقابل پا منجمله مشکلات عدیده تسلیحاتی و مالی را از میان برمیدارد. بقول خود این رفقا: "روزهای آغازین محقرانه بود. تقریبا بدون اسلحه مدرن. ما جنگیدیم، پیشرفت کردیم و از کوچک به بزرگ رشد نمودیم. آتش ضعیف ابتدایی، شعله های سرکش و خروشنده عظیمی گردید که اکنون در حال گستردن، بسط جرقه های انقلاب و پیش بردن جنگ خلق می باشد" و تمام اینها ممکن گردید بواسطه موجودیت پیشاهنگی پرولتری که به انقلابیترین ایدئولوژی یعنی مارکسیسم - لنینیسم - مائوئیسم، مسلح بوده و جوهر این حکم خدشه ناپذیر که "توده ها سازندگان تاریخند"، را عمیقا درک کرده و در کلیه عرصه ها نقطه رجوع و نقطه اتکایش توده های خلق بوده اند. اطلاعات کمیته جنبش انقلابی انترناسیونالیستی در اینمورد میگوید: "کمونیستهای اصیل در عرصه مالی نیز، همانند سایر عرصه ها، برخوردار کاملاً خلاف رویونیستها و فرصت طلبان دارند. رویونیستها و فرصت طلبان در حرف و در عمل اتکا به امپریالیستها، سوسیال امپریالیستها و مرتجعین را پیشه کرده اند، حال آنکه کمونیستهای اصیل بر کارگران، دهقانان و دیگر توده های انقلابی، بمثابه منبع کمک منکی هستند. بدین علت است که جنبش انقلابی انترناسیونالیستی توده های انقلابی را به کارزار گرامیداشت پنجمین سالگرد تشکیل خویش فرا می خواند تا در کلیه عرصه ها - منجمله عرصه مالی - به پیشرفتهای آتی جنبش ما یاری رسانند." به مسئله تامین مالی و جمع آوری کمک مالی برای جنبش انقلابی انترناسیونالیستی، باید بمثابه يك کارزار سیاسی نگریسته شود. در واقع زمانی که از توده ها کمک مالی دریافت می شود یعنی آنها به امر پیشرفتهای این جنبش متعهد تر شده و درگیر امر انقلاب می شوند. درگیر کردن توده های هرچه بیشتر در امر کمک مالی، بمعنای سهیم شدن و درگیریشان در ساختن این جنبش است و مسئله بهمینگونه باید درک شود. ما باید آنچنان انترناسیونالیسم پرولتری را در میان صفوف توده تبلیغ و ترویج کرده و ابعاد تعیین کننده چنین دیدگاهی را ترسیم کنیم که خود بطور آگاهانه و داوطلبانه گام به پیش نهند و این جنبش و پیشرویهای آن و معضلات آنرا بمثابه بخشی از انقلاب خود درک کنند و مسئولیتهای بیشتری را در عرصه های متنوع بدوش گیرند. اهمیت ندادن به مسئله جمع آوری کمک مالی و یا با درکی بجز آنچه گفته شد به این مقوله نگاه کردن، نشانه درک و بینش بورژوائی است. درکی که متعده به اتکا بر توده ها نیست و بخود بصورت ناجی توده می نگرند و نمی خواهد به توده بیاموزد که خود نجات دهندگان خود هستند.

تمام رفقای سازمانی و توده های انقلابی که از اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) حمایت میکنند، باید به اهمیت برپائی جنگ خلق و پیروزی ما در نبرد مسلحانه و همچنین پیروزی خط ما در مبارزه ایدئولوژیک - سیاسی با انحرافات گوناگون و اهمیت و جایگاه دیدگاه انترناسیونالیستی برای پیشرویهای بیشتر جنبش بین المللی کمونیستی، آگاه باشند. پیشرفت و تلاشهای طبقه ما در هر نقطه از جهان از پیشرفتهای تئوریک و پراتیکی گردانهای دیگر پرولتاریا در مقیاس جهانی تاثیر گرفته و بر آن تاثیر می گذارد. تمامی کادرها، اعضاء، هواداران متشکل اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) و توده های انقلابی باید بدرستی و در کوره انجام پراتیک انقلابی جایگاه تعیین کننده انترناسیونالیسم پرولتری، معنای شکل گیری جنبش انقلابی انترناسیونالیستی و اهمیت موجودیت آنرا برای پیشبرد امر انقلاب جهانی درک کنند، و با تمام توان خود برای تقویت و گسترش این جنبش مایه بگذارند و وسیعترین توده انقلابی را حول آن بسیج و متشکل سازند. بازسازی ایدئولوژیک - سیاسی - تشکیلاتی، اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران) بر اساس و با مسلح شدن به چنین بینشی صورت پذیرفت. این یکی از بزرگترین نقطه قوتهای ما می باشد که باید آنرا محکم در دست گرفته و مرتباً صیقل دهیم.

